

## آسیب شناسی عدم اجرای قانون منع کار کودک و ارائه الگوی مناسب اجرای آن

دکتر مراد کردی

عضو هیات علمی مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

### چکیده

هدف این پژوهش، آسیب شناسی عدم اجرای قانون منع کار کودک و ارائه الگوی مناسب جهت اجرای این قانون است. پژوهش حاضر، این فرضیه را که از بین عوامل مختلف، عامل اقتصادی مهمترین عامل اجرای قانون منع کار کودک است، مورد بررسی قرار داده است. عوامل موثر در این زمینه را به ترتیب عوامل اقتصادی، عوامل سازمانی و مدیریتی، عوامل اجتماعی، عوامل حقوقی و عوامل فرهنگی تقسیم بندی کرده و به روش تحلیل عاملی، به بررسی میزان تعامل عوامل فوق پرداخته است. پژوهشگر با استفاده از نتایج به دست آمده، مدلی برای سنجش عوامل موثر بر اشتغال کودکان ارائه نموده است. در ادامه به منظور اعتبارسنجی مدل پیشنهادی خود با استفاده از پرسش نامه، نظرات متخصصان و خبرگان شورای امور اجتماعی را جمع آوری نموده و اعتبار مدل خود را تأیید می نماید. یافته های پژوهش نشان می دهد که عامل اقتصادی مهمترین عامل در زمینه اشتغال به کار کودکان بوده و عامل فرهنگی، عامل رفتاری، عامل حقوقی و عامل اجتماعی در رتبه های بعدی قرار دارند.

### واژگان کلیدی

اشتغال کودک، قانون کار کودک، شورای امور اجتماعی.

## مقدمه

اند و یا ترک تحصیل کرده‌اند. از ۹ میلیون نفر جمعیت گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله کشور که زیر سن قانونی کار محسوب می‌شوند، تعداد ۳۶۸/۰۳۱ نفر شاغل و یا در جستجوی کارند که از این تعداد ۲۳۸/۰۰۰ نفر پسر و ۱۳۰/۰۰۰ نفر دختر بوده‌اند. (مرکز آمار ایران ۱۲،۱۳۷۵)

مساله پژوهش این است که با وجود محکومیت کار کودک و غیرقانونی اعلام شدن آن و پیوستن کشور ایران به مقاله نامه‌های مربوط از جمله: محو بدترین اشکال کار کودک (مقاله نامه ۱۸۲) و همچنین پیمان جهانی حقوق کودک، همینطور صراحت ماده ۷۹ قانون کار مبنی بر ممنوعیت کار کودک و ضمانت اجرای آن در ماده ۱۷۶ و تکلیف دادگستری در رسیدگی خارج از نوبت به شکایت بازرسین کار، چگونه است که کار کودک در حجم بالایی در بنگاه‌های اقتصادی کشور وجود دارد و مراکز تولیدی و خدماتی و کشاورزی از کار کودکان استفاده می‌کنند؟

## تاریخچه

بررسی تاریخچه حقوق کار در ایران نشان می‌دهد تنها متنی که از طرف یکی از مقالات دولتی در زمینه مسایل کار و علی‌الخصوص کار کودک وجود دارد، فرمان والی ایالت کرمان و بلوچستان درباره حمایت از کارگران کارگاه‌های قالی بافی است در تاریخ ۲۵ قوس ۱۳۰۲ است. افزایش آگاهی‌های اجتماعی سبب شده است که بسیاری از امور که در گذشته تاریخ بشر امری طبیعی و عادی تلقی میشد امروز مغایر با شئون انسانی محسوب گردد. استفاده از نیروی کار کودکان در طول تاریخ همواره امری معمول و متداول بوده، اما ضرورت حمایت از کودکان کمتر مورد توجه قرار گرفته است در یکی دو قرن اخیر این مسئله مطرح و در راه حمایت از کودکان نیز قدم‌هایی برداشته شده

امروزه کار کودک در کشور ما هم همانند سایر کشورهای در حال توسعه رواج دارد. در ایران هزاران کودک در سنین کودکی به کار مشغولند و بطور معمول با این هدف که به امرار معاش خود و خانواده خود کمک نمایند. مساله اشتغال و کار کودکان در جهان واقعی است که کمتر مورد توجه و دقت قرار گرفته است و تا زمانی که «فقر، ناآگاهی و نابرابری وجود دارد با مشکل کار کودکان به ویژه در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته روبرو هستیم از طرف دیگر بخش قابل توجهی از جمعیت شاغل در بسیاری از کشورها را کودکان تشکیل می‌دهند و از آنجا که این گروه سنی نمی‌توانند مانند بزرگسالان از حقوق خود دفاع نمایند و نیز کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند، لذا بیشتر مورد بهره‌کشی و ستم و آزار والدین و کارفرمایان قرار می‌گیرند. به واقع در این مقاله بدنبال کشف این واقعیت که آیا اشتغال کودکان فرصت است یا تهدید؟ عوامل عمده و مؤثر بر اشتغال کودکان کدامند و همچنین در پی تعیین اولویت این عوامل هستیم و سپس بررسی می‌کنیم که دنیا در شناسایی و نهایتاً رفع این عوامل چه کرده است؛ اساساً مدلهایی که در دنیا به کار می‌برند کدامند؟ و کدام مدل بومی برای ایران مناسب است؟

## بیان مساله

«براساس نتایج آمارگیری سال ۱۳۷۵، از کل جمعیت ۶۰ میلیون نفری کشور، ۳۰/۸۴۱/۰۹۲ نفر در گروه سنی زیر ۱۹ سال و ۲۳/۷۰۰/۰۰۰ نفر در گروه سنی زیر ۱۵ سال قرار دارند. نسبت جنسی آنها به ازای هر ۱۰۰ نفر دختر، ۱۰۴ نفر پسر است. قریب ۵۸ درصد آنها در نقاط شهری و ۴۲ درصد در نقاط روستایی می‌باشند. نزدیک به ۱۲/۱ میلیون نفر در حال تحصیل و ۷/۹ میلیون نفر آنها اساساً یا به مدرسه نرفته-

۱) **کودک بعنوان موجود زنده رشد نیافته:** از نگاه بیولوژیکی کودک، انسانی رشد نیافته است. زندگی انسان از یک سلول آغاز می‌شود، این سلول از دو سلول دیگر تولید می‌شود. یک سلول از مادر و سلول دوم از پدر. این موجود تک سلولی به تناوب تکثیر می‌شود تا مجموعه‌ای عظیم از سلولها را تشکیل بدهد. (دی بث و مارگرت ۱۳۶۳، ۱۲) جنین در طول ۸ هفته چنان تکامل سریع و پیچیده‌ای دارد که هر دقیقه چیز جدیدی در آن تشکیل می‌شود. سلولهای بدن از نظر لایه سلول‌های گوناگونی که می‌توانند قسمتهای مختلف بدن کودکی را بسازند، تفاوت می‌کنند. کودک از همان مراحل جنینی همه ویژگیهای انسانی را دارد. در سومین ماه زندگی خود در رحم، هنگامی که هنوز بزرگتر از انگشت شصت نگردیده، همه نشانه‌های یک انسان را دارد. (دی بث و مارگرت ۱۳۶۳، ۱۲)

کودک در طول نخستین سه روز زندگی تازه خود از بعضی عواطف اساسی تجربیاتی بدست می‌آورد. تجاربی از جمله تهدید زندگی، آسایش و آرامش بازوان مادر که بدور او حلقه می‌شود. درد جانسوز گرسنگی و تجربه‌های دیگر از لذت خوشایند تغذیه و سیری را بدست می‌آورد. کودک طی دو ماه پس از تولد، وزنش دو برابر می‌شود و باز طی چهار ماه دیگر وزنش دو برابر می‌شود. او در این زمان بیشتر از همیشه چاق می‌شود پس از شش ماهگی این سرعت رشد کاهش می‌یابد و در سال بعد باز هم وزن او دو برابر می‌شود. از نظر بیولوژیک صرفاً نیازهای فیزیکی کودک مورد نظر است.

۲) **انسان در حال رشد و تغییر:** از نظر روانشناختی توسعه کودک تنها در رشد جسمی او خلاصه نمی‌شود، بلکه هم پای این رشد قوای ذهنی، احساسات و هیجانات او هم رشد کرده و پیوسته تغییر می‌یابد. احساسات کودک از همان آغاز زندگی او شکل می‌گیرند. در نخستین ماههای تولد، کودک واکنشهایی

است. علل متعددی در درک ضرورت حمایت از آنان موثر بوده است؛ نخست آنکه در گذشته کودک در داخل خانواده و بصورت فردی از افراد آن کار می‌کرده است. کودک با ملاحظه کار پدر و مادر و تقلید و آموختن به تدریج رشد جسمی و روحی لازم را یافته برای نقش آینده خود آماده می‌شد. با وجود کانون خانواده فرض بر این بود که طفل کمتر در معرض استثمار قرار می‌گیرد. این سبک کار امروز هم در بسیاری از جوامع وجود دارد و معمولاً تصور می‌شود برای سلامت و رشد کودک زیانی ندارد. پس از انقلاب صنعتی کار کردن کودکان بصورت مزدبگیر نزد افرادی غیر از خانواده (کارفرمایان) و استثمار شدید کودکان از سوی ایشان مسئله کار کودکان را بصورت یک معضل اجتماعی مطرح ساخت. خطرات کار در سنین پایین و زیانهای آن برای سلامت جسمی و روحی کودکان مشخص گردید.

### مفهوم کودک و کودکی

کودکی نه یک پدیده که یک مفهوم است. چگونگی این مفهوم از قرون وسطی تا قرن بیستم در اروپا دچار تحول گردیده است. بنظر آریز دلیل عمده تفاوت مفهوم کودکی در جوامع مختلف آن است که هرکدام از آنها بنا به سطوح متفاوت خود در حوزه‌های فرهنگ و اقتصاد و مسایل اجتماعی، در یک دوره خاص از تلقی اجتماعی نسبت به کودک بسر برده‌اند و مفهوم کودکی به معنی امروزی آن زاییده ورود به دنیای مدرن است. (شاه آبادی ۱۳۸۲، ۱۷) تعریف کودک و دوران کودکی به راحتی قابل طرح نیست و به همین دلیل تاکنون تعریف روشنی از کودک ارائه نگردیده است از آنجا که به کودک و دوران کودکی باید از زوایای مختلف نگریست لذا کودک را از سه دیدگاه بیولوژی، روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

عمدتاً جسمانی از خود بروز می‌دهد که برخاسته از عواطف و احساسات اوست (شعاری نژاد ۱۳۸۰، ۱۹۸) عواطف اجتماعی کودک نیز در همان آغاز زندگی او شکل می‌گیرند. به عبارتی کودک از یک ماهگی با اطرافیانش ارتباط برقرار می‌کند و از رفتار آنها متأثر می‌شود و واکنش نشان می‌دهد. اولین رفتار اجتماعی او لبخند زدن است. در شش ماهگی به اطرافیانش دلبسته می‌شود و غالباً بدنبال تکیه‌گاه‌های متعددی علاوه بر مادر است (پاول ۱۳۶۸، ۱۷۰) ژان پیاژه رشد و تکامل ذهنی کودکان را به چهار مرحله تقسیم کرده است که عبارتند از:

**۲-۱) مرحله حسی - حرکتی:** که این مرحله از بدو تولد تا دوسالگی امتداد دارد. دستاورد این مرحله برای کودک دریافت خواص مشخص و ثابت محیطش می‌باشد.

**۲-۲) مرحله پیش عملیاتی:** این مرحله از سن ۲ سالگی آغاز و تا ۷ سالگی امتداد دارد. ویژگی‌های عمده این دوره عبارتند از: سخن گفتن و خودمدار بودن آنهاست.

**۲-۳) مرحله عملیات عینی:** این مرحله از ۷ سالگی تا یازده سالگی طول می‌کشد. که در آن کودک توانایی درک مفهوم علیت را یافته و چهار عمل اصلی ریاضیات را انجام می‌دهد.

**۲-۴) مرحله عملیات صوری:** این دوره در اصل متعلق به سال‌های نوجوانی است و سنین یازده تا پانزده سالگی را در بر می‌گیرد. بهترین ویژگی آن کسب توانایی تفکر به شیوه انتزاعی است. البته انتقاداتی بر این نظریه وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

اولاً: ایشان از منظر یک بزرگسال به رفتارهای کودکان نگریسته است و لذا تفاوت‌های ماهوی ذهن و عملکرد آنها را با بزرگسالان از نظر دور داشته است؛

ثانیاً: دلیل محدودیت گروه‌های مورد مطالعه، درک تفاوت‌های میان کودکان در شرایط و مکان‌های مختلف ناقص مانده است.

نکات مهمی که درباره رشد و تکامل ذهنی کودکان قابل ذکر است؛ اینکه این رشد بصورت مجرد و ساکن صورت نمی‌گیرد بلکه کودک همزمان در واکنش به محرک‌های محیطی، قوای ذهنی خود را نیز رشد و پرورش می‌دهد. وجه دیگر رشد روانی کودکان به میزان درک آنها از مفاهیم مربوط می‌شود. و همچنین از دیگر ویژگی‌های مشترک آنان در سنین آغاز زندگی هیجان‌های آنهاست. (گیدنز ۱۳۸۱، ۱۰۲) در واقع آنچه روانشناسان کودک تاکنون کشف کرده‌اند درباره کل کودکان است نه فرد فرد آنها، لذا باید به این حقیقت تلخ اعتراف نمود که هنوز هم کودک آنچنان که باید و شاید شناخته نشده است. اگرچه از نگاه بیولوژیک به راحتی می‌شود کودک را موجود زنده رشد نیافته نامید، ولیکن در منظر روانشناختی چنین نیست زیرا کودک کوچک شده بزرگسالان نیست بلکه شخصیتی است منحصر بفرد، با تمام ویژگی‌هایی که او را از بزرگسالان مجزا می‌کند. (گیدنز ۱۳۸۱، ۱۰۲)

**۳) کودک یک مفهوم متغیر اجتماعی است:** از منظر علم جامعه‌شناسی، دوران کودکی یک پدیده نیست، بلکه یک مفهوم است. در واقع پیش از آنکه وجود خارجی داشته باشد، تصویری است که در ذهن مردم جوامع مختلف شکل می‌بندد. لذا تصور ما از کودک با تصویری که در سوئیس نسبت به دوران کودکی وجود دارد، بسیار فرق دارد.

در جامعه ما، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های ما هنگامی که همسن ما بوده‌اند به تنهایی بار مسیولیت اداره یک خانواده را به دوش می‌کشیده‌اند. اینکه یک نوجوان چهارده ساله یا پانزده سال خانواده‌دار با زنی صاحب چند اولاد باشد، امروز به سختی قابل باور است. اما واقعیت آن است که در سال‌های نه چندان

جوان (نوباوگان زیر ۱۲ سال) به تازگی در مشاغل یا موقعیت‌های مخاطره‌آمیز اشتغال داشته‌اند. پسران شاغل در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز در تمام گروه‌های سنی از دختران فزونی داشته‌اند. در شرایط مشابه در بین تمام کودکان دیده شده است که حدود نیمی از پسران در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز شاغل بوده‌اند. (یونیسف، ۲۰۰۵) در بررسی‌های بعمل آمده این نتایج بدست آمد: نخست اینکه یافته اصلی گزارش سرمایه‌گذاری برای کودک نشان داد که در ریشه‌کنی جهانی کار کودکان و جایگزینی آن با آموزش ابتدایی و راهنمایی در سنین پایین‌تر مزایای اقتصادی خالص و ارزشمندی وجود دارند. آموزش به طور قطع با رشد کودک ارتباط دارد؛ دوم، کودک کار که تحت برنامه بازتوانی صحیح قرار می‌گیرد، حتی اگر به کار ادامه دهد، با احتمال بیشتری رفتار قابل سازگاری، ابتکار و خلاقیت و دیگر مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت کاملتر اجتماعی را می‌آموزد. برنامه‌های مداخله در مجموعه بخش‌های رسمی و غیر رسمی می‌تواند با توجه به ارائه آموزش غیر رسمی به کودکان کار، آنها را هدف فعالیت خود قرار دهد. این کار می‌تواند انتقال مهارت‌های اختصاصی را به دیگر زمینه‌ها تسهیل کند؛ سوم، برای متقاعد کردن والدین نسبت به ارزش آموزش برای تحقق بخشیدن به استعدادها بالقوه کودک، آموزش کیفی لازم است. چشم انداز این برنامه آن است که کار کودکان در درازمدت باید حذف شود. با این حال این موضوع فرایندی تدریجی است و در کوتاه مدت تا میان مدت لازم است که بین الزام جامعه به کار کودکان و تأمین حق محافظت از کودکان، مشارکت و توسعه به گونه‌ای که استعدادها بالقوه خود را به طور کامل تحقق بخشند، تعادل برقرار شود. لذا عمده سئوالاتی که این مقاله سعی خواهد نمود به آنها پاسخ بدهد عبارتند از:

دور، کودکان خیلی سریع وارد زندگی و کار می‌شده‌اند. حالا به این موضوع توجه کنیم که با ورود زودرس کودک به بازار کار و قواعد بزرگسالانه زندگی، دیگر مجالی برای کودکی کردن او باقی نمی‌ماند، او چون بزرگسالان صبح به سرکار می‌رود و شام باز می‌گردد و خسته سر به بالین می‌گذارد. (شاه آبادی ۱۳۸۲، ۵۱۰) آنچه که موجب حذف دوران کودکی از زندگی انسانها می‌شود، ارجاع زود هنگام وظیفه اجتماعی است. انسان همین که موظف به انجام وظایف اجتماعی شد، دیگر کودک نیست. پس لفظ کودک را بر کسی می‌توان اطلاق کرد که وظیفه اجتماعی بر دوش ندارد. پس کودک تا زمانی کودک است که موظف نیست. جوامع مختلف با توجه به شرایط و بخصوص سطح رشد اقتصادی ویژه خود، این دوران را در شکلهای مختلف و با طول زمانی متفاوت می‌پذیرند. پس در جامعه با سطح درآمد پایین و دوران کودکی کوتاه و در جوامع با رونق اقتصادی دوران کودکی بلندتر است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم کودکی، یک ابداع اجتماعی<sup>۱</sup> و خاص دوران مدرن است و سابقه‌اش طولانی نیست. حال با توجه به مباحث بعمل آمده مروری بر تحول تاریخی مفهوم کودکی در دوران باستان و مقایسه آن میان چند کشور اروپایی و ایران خواهیم داشت، تا از این گذر درک منطقی از کودک و مفهوم خاص آن ایجاد گردد.

### مبانی نظری

سازمان بین‌المللی کار، در سال ۲۰۰۲ برآورد می‌کند که ۱۷۱ میلیون کودک ۵ تا ۱۷ ساله در سال ۲۰۰۰ در شرایط مخاطره‌آمیز به کار اشتغال داشته‌اند. به عبارت دیگر کودکان شاغل در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز حدود نیمی از کل کودکان بطور اقتصادی فعال و بیشتر از دو سوم کودکان کار را تشکیل داده‌اند. رقم سرسام آور، ۵۵ درصدی کودکان شاغل و خیلی

(هر خانواده تنها یک کودک) در این صورت ۷۵۰ هزار کودک روانه بازار کار شده‌اند. در ماده ۳۲ کنوانسیون محو بدترین اشکال کار کودک آمده است که کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیانبار باشد یا خللی در تحصیل کودک وارد آورد، و یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند، به رسمیت می‌شناسند. با توجه به مطالب ذکر شده فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

**فرضیه اصلی:** از میان عوامل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، رفتاری و سازمانی / مدیریتی، بیشترین مقدار رابطه میان عامل اقتصادی و عدم اجرای قانون منع کار کودک وجود دارد.

**فرضیه فرعی:** عوامل اقتصادی، عوامل سازمانی و مدیریت، عوامل اجتماعی، عوامل حقوقی / قانونی و عوامل فرهنگی به ترتیب موثرترین عوامل اشتغال کودکان محسوب می‌شوند.

**سؤال اصلی:** موانع عمده عدم اجرای قانون منع کار کودک کدامند؟

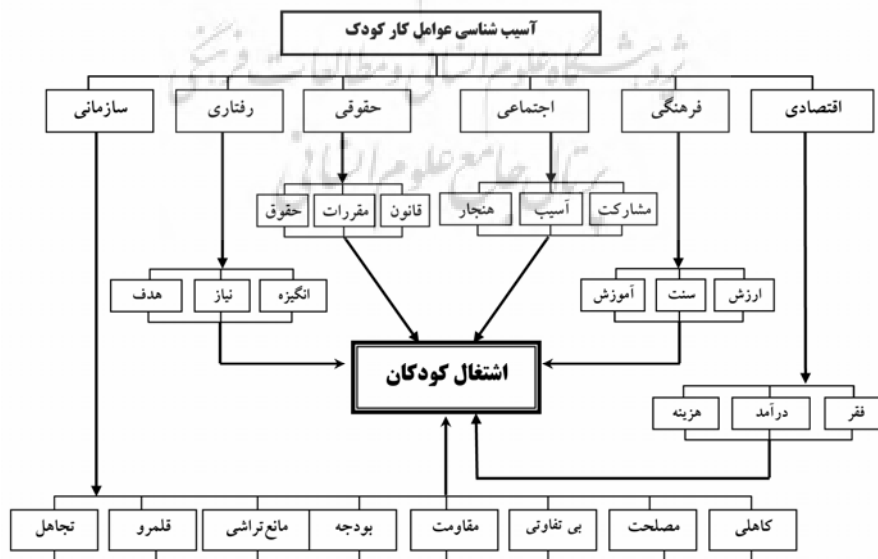
**سوالات فرعی:** رتبه‌بندی اولویت این موانع کدام است؟ - مدل بهبود مناسب برای رفع موانع کدام است؟

### فرضیه‌های پژوهش

اهداف توسعه‌ای هزاره که بیشترین ارتباط را با کار کودک داشته و باید تا سال ۲۰۱۵ برآورده شوند عبارتند از؛ هدف اول، کاهش ۵۰ درصدی گرسنگی و فقر شدید؛ هدف دوم، دستیابی به سطح همگانی سواد ابتدایی؛ هدف سوم، توانمندسازی زنان و ترویج برابری بین زنان و مردان؛ هدف چهارم، کاهش مرگ و میر زیر ۵ سال. همچنین سازمان بین‌المللی کار دو کنوانسیون مربوط به کار کودکان را تصویب کرده است (یونیسف ۲۰۰۵، ۶۷).

براساس گزارش سازمان مدیریت، ۳ میلیون خانوار زیر خط فقرند، اگر از میان این خانوارها تنها یک چهارم از روی فقر تن به کار کودک خود داده باشند

نمودار (۱): مدل مفهومی پژوهش



## روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات روش میدانی و روش کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز شامل فیش، پرسشنامه و برخی موارد مصاحبه می‌باشد.

## جامعه و نمونه آماری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای پیدا کردن عوامل موثر بر پدیده اشتغال کودکان از تحلیل عاملی اکتشافی و برای رتبه‌بندی اولویت این عوامل از تحلیل آماری فریدمن و برای بررسی میزان تغییرات نظرات بازرسیین از آزمون  $t$  و تحلیل واریانس استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را بازرسان کار وزارت کار و امور اجتماعی در طی سالهای ۸۵-۱۳۸۳ تشکیل می‌دهند. همچنین به منظور تعیین عوامل موثر بر اشتغال کودکان با استفاده از فرمول نمونه‌گیری ۱۰۰ نفر برای انجام تحلیل عاملی از میان کارشناسان روابط کار و بازرسیین کار استفاده شده است که مقدار ضریب توافق کندال بین ۱۰ داور در ۲۸ سوال برابر ۰/۲۵۷ بدست آمده است. به عبارتی بین متخصصان در خصوص روایی ابزار پژوهش حاضر توافق قابل قبولی بوده است.

## تعیین روایی<sup>۲</sup> و پایایی<sup>۳</sup> ابزار سنجش

برای بررسی روایی ابزار از دو روش الف) روایی محتوا و ب) روایی توافق بین متخصصان استفاده شده است. همانطور که در نتایج نیز مشخص است کمترین مقدار متوسط در رتبه‌ها مربوط به سوال اول با مقدار ۴/۹ و بیشترین مقدار متوسط در رتبه‌ها مربوط به سوال شماره ده با مقدار ۲۰/۸۰ می‌باشد. اعتبار آزمون با استفاده از روش، آلفای کرونباخ محاسبه شد. در این روش نمرات در طیف لیکرت نمره‌گذاری شدند. در این موارد بهترین حالت استفاده از فرمول آلفای کرونباخ (ویلز و ویلک ۲۰۰۳) می‌باشد:

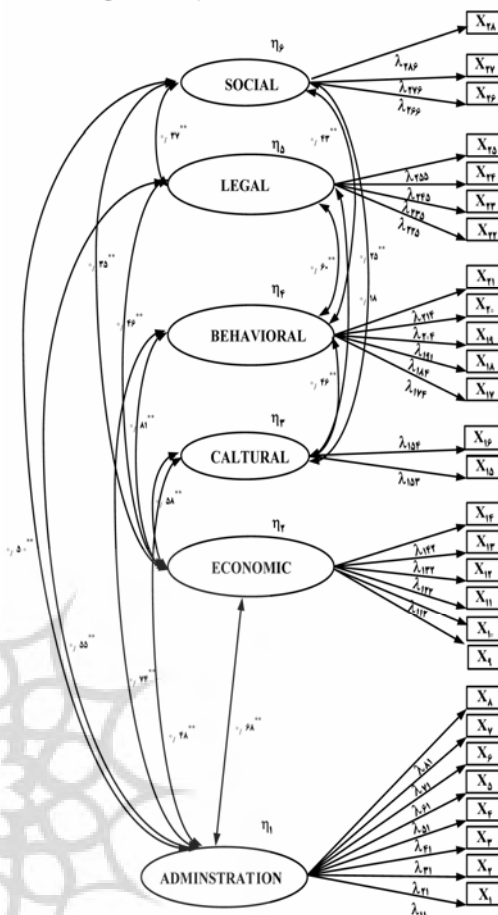
$$\alpha = \frac{2[S_t^2 - (S_{11}^2 + S_{22}^2)]}{S_t^2}$$

## بررسی تحلیل مسیر (مدل معادلات ساختاری)<sup>۴</sup>

به منظور بررسی میزان تعامل میان عوامل شش‌گانه اثرگذار بر عدم اجرای قانون منع کار کودک (اداره، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی/ قانونی، رفتاری و اجتماعی) از روش تحلیل مسیر<sup>۵</sup> استفاده می‌شود. بررسی تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار لیزرل (مدل معادلات ساختاری)<sup>۶</sup> در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. نتیجه بررسی تحلیل مسیر نشان می‌دهد که:

- ضرایب مسیر بین عامل اداری با عوامل اقتصادی، فرهنگی، رفتاری، قانونی و اجتماعی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۴۸، ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۵۰ به دست آمد که همگی در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  معنی دار بودند.
- ضرایب مسیر بین عامل اقتصادی با عوامل فرهنگی، رفتاری، قانونی و اجتماعی به ترتیب ۰/۵۸، ۰/۸۱، ۰/۴۶، ۰/۳۵ به دست آمد که همگی در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  معنی دار بودند.
- ضرایب مسیر بین عامل فرهنگی با عوامل رفتاری، قانونی و اجتماعی به ترتیب ۰/۴۶، ۰/۱۸، ۰/۵ به دست آمد که همه ضرایب به غیر از ضریب مسیر عامل فرهنگی با قانونی در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  معنی دار بودند.
- ضرایب مسیر بین عامل رفتاری با قانونی و اجتماعی به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۴۳ به دست آمد که همگی ضرایب در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  معنی دار بودند.
- ضرایب مسیر بین عامل قانونی با اجتماعی ۰/۳۷ به دست آمد که این مقدار در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  معنی دار بود.

نمودار (۲): مدل تحلیل مسیر عوامل اثرگذار بر عدم اجرای قانون منع کار کودک



**یافته‌های پژوهش**

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کار کودک یک پدیده چند بعدی است و نگاه تک بعدی تنها معرف توجه به یکی از ابعاد آن و کم توجهی آشکار به سایر ابعاد آن می‌باشد. شاید عدم توفیق برنامه‌های کنترلی کاهش و پیشگیری از کار کودکان به همین دلیل باشد. لزوم بازنگری در قوانین نسبت به سن بلوغ و تعیین سن واحدی برای پایان کودکی در کلیه عرصه‌های زندگی اجتماعی، ایجاد نگرش نظام‌مند و سیستمیک در میان دست‌اندرکاران در بخش‌های مربوط، جامعیت و شمولیت برنامه‌ها و اهداف اجرایی، کارآمد شدن قوانین و وجود ضمانت‌های کافی و همچنین وجود نظام

ارزشیابی (درونی و بیرونی) اثربخش برفرایند، نیازمند ایجاد تحول جدی در نظام اداری و مدیریتی کشور است. زیرا علیرغم قوانین، مقاله نامه‌ها، کنوانسیون حقوق بشر، تأکیدات انبیاء، فرمایشات ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و تعهدات دولت، کودکان به کاری بس ظالمانه گرفتار می‌شوند و استثمار بی وقفه آینده آنها را که آینده انسانیت است به تباهی می‌کشاند و حال آنکه هیچ مرجع رسمی پاسخگوی آن نیست.

تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که عامل اصلی مؤثر بر اشتغال کودکان عامل سازمانی مدیریتی (اداری) یعنی قوه مجریه است. شواهد نشان می‌دهند که این قوه در نقش حکمران از چند سال پیش در صدد چاره‌جویی برآمده و در اولین اقدام، مجموعه‌ای راتحت عنوان شورای اموراجتماعی کشور با هدف سیاستگذاری، هماهنگی، ایجاد وحدت رویه و تنظیم ساز و کار اداری در زمینه پیش‌بینی و مقابله با پدیده‌ها و آسیبها و ناهنجاریهای اجتماعی و هماهنگی بین دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی مسؤل اجتماعی ایجاد نموده است. در اینجا ابتدا به تشریح مدل پژوهش پرداخته، بعد از آن دستاورد پژوهش تحت عنوان الگوی عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان ارایه و نهایتاً اعتباریابی الگو با استفاده از روش دلفی انجام می‌شود.

**تشریح مدل پژوهش**

مدل را می‌توان نمایش ترسیمی و محاسباتی از واقعیت دانست که تحت شرایطی می‌تواند جایگزین آن شود. مدلها به این دلیل طراحی می‌شوند که ما تصمیمات خود را قبل از پیاده‌سازی در محیط واقعی که یقیناً با هزینه و ریسک بالا انجام خواهد پذیرفت، در یک محیط مجازی و شبیه‌سازی شده اجرا نماییم و نتایج آنرا تحلیل کنیم (شکری ۱۳۸۵) در این پژوهش هم سعی شده که عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان در قالب یک مدل مناسب ارایه گردد. در این مدل، ابعاد



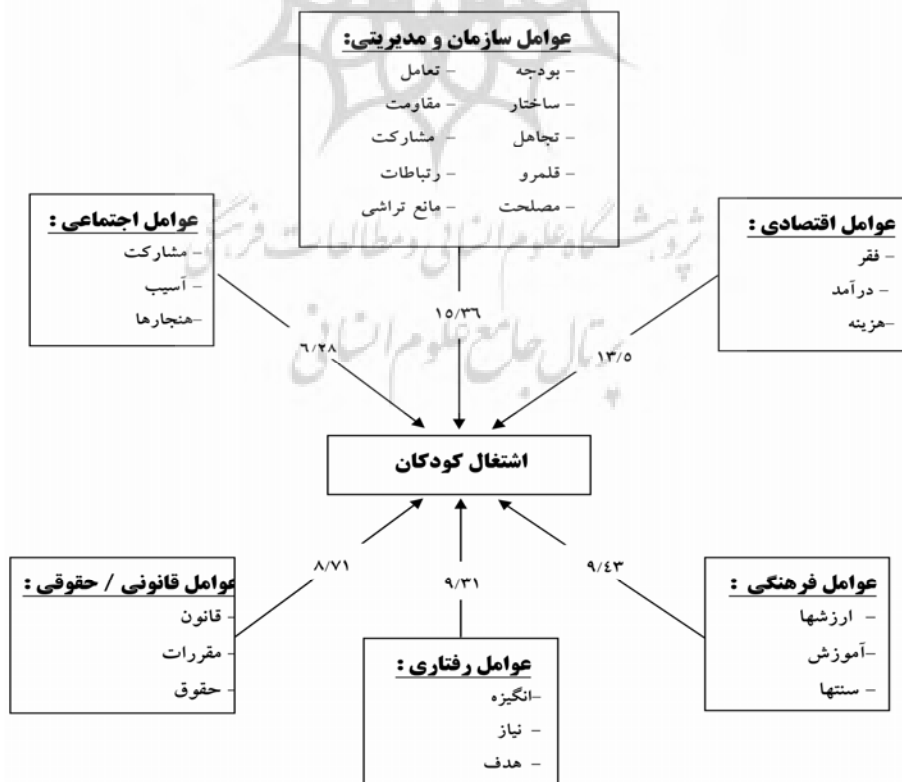
شش‌گانه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی/ قانونی، رفتاری و سازمانی/ مدیریتی (اداری) مطرح و سپس برای هر یک از این ابعاد، مؤلفه‌های مربوطه به شرح زیر معرفی می‌گردند:

### مدل پژوهش

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که از میان ۶ عامل فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، رفتاری و سازمانی / مدیریتی، عامل سازمان و مدیریت، عامل سازمان و مدیریت از طریق روش آماری تحلیل عاملی<sup>۷</sup> با وزن ۱۵/۳۶، بیشترین مقدار واریانس تبیین شده را بر عدم اجرای قانون منع کار کودک داشته، همچنین عامل اقتصادی ۱۲/۵، عامل فرهنگی ۹/۴۳، عامل رفتاری ۹/۳۱، عامل قانونی ۸/۷۱ و عامل اجتماعی ۶/۲۸ در رتبه‌های بعد قرار گرفتند که فرآیند آن در قالب الگوی عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان ارائه گردیده است.

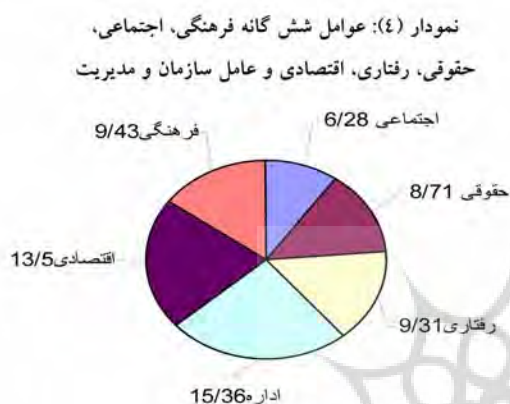
- مؤلفه‌های فرهنگ: عبارت بودند از: ارزش، سنت، آموزش، باور، هنجارها و...؛
  - مؤلفه‌های اقتصادی: فقر، درآمد، هزینه، مصرف، اشتغال؛
  - مؤلفه‌های اجتماعی: مشارکت، آسیب، بحران، هویت؛
  - مؤلفه‌های حقوقی/ قانونی: قانون، مقررات، حقوق، دین، حق و...؛
  - مؤلفه‌های رفتاری: انگیزش، نیاز، ادراک، شخصیت؛
  - مؤلفه‌های سازمان و مدیریت: ارتباطات، مقاومت، مانع‌تراشی، قلمرو، تجاها، مصلحت، مشارکت، کاهلی، بی‌تفاوتی و بودجه.
- در ادامه برای اندازه‌گیری هر یک از مؤلفه‌های فوق، شاخصهایی ارائه می‌گردد. برای اندازه‌گیری کلیه

نمودار شماره (۳) - عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان



## اعتباریابی الگوی عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان

حقوقی، رفتاری و سازمانی / مدیریتی (اداره) همچنین عامل سازمان و مدیریت (اداره) از طریق تکنیک تحلیل عاملی با وزن ۱۵/۳۶، بیشترین مقدار واریانس تبیین شده را بر اشتغال کودک داشته است. عامل اقتصادی ۱۲/۵، عامل فرهنگی ۹/۴۳، عامل رفتاری ۹/۳۱، عامل قانونی ۸/۷۱ و عامل اجتماعی ۶/۲۸ در رتبه‌های بعد قرار گرفتند.



## ۱) کار کودک و عدم اشتغال

در کشور ما اغلب کودکان بعنوان کمک کنندگان جانبی معیشت خانواده ناچارند که به جای حضور در مدرسه، کار یدی کنند. اثرات عمده کار کردن کودکان در بخش اقتصاد با پدیده‌ای بنام اشتغال ارتباط پیدا می‌کند. حضور کودکان در واحدهای اقتصادی ۲ اثر زیانبار بر ساختار اشتغال کشور بار می‌آورد.

## الف) کار کودک فراوان و ارزان است

از این رو اغلب کارفرمایان به بهانه کاهش هزینه‌های تولید و امکان توان رقابتی برای محصولات خود به سمت کار کودکان گرایش پیدا می‌کنند. لذاست که نیروهای فعال در بازار اشتغال بدلیل دستمزد قانونی معطل می‌مانند.

ب) کار کودک مسئولیت اجتماعی کارفرمایان را کاهش می‌دهد

به دلیل اینکه کار کودک غیر قانونی است، لذا امکان معرفی آنها به نظام تأمین اجتماعی وجود ندارد و

به منظور اعتباریابی مدل پیشنهادی پژوهشگر در خصوص عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان و چگونگی عملیاتی سازی قانون منع کار کودک، با استفاده از نظرات کارشناسی ۱۶ نفر از متخصصان خبره شورای امور اجتماعی بواسطه پرسشنامه طراحی شده نظرخواهی شد. گروه نمونه انتخابی برای نظرسنجی شامل: ۱۲ مرد و ۴ زن در مقطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری با میانگین سنی ۳۷ سال و متوسط تجربه کاری ۱۷ سال بودند که متشکل از کارشناسان وزارت رفاه، وزارت کشور، وزارت رفاه، تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی، سازمان شهرداری، وزارت کار، جمعیت هلال احمر، وزارت ارشاد، وزارت علوم، کانون اصلاح و تربیت، سازمان ملی جوانان، وزارت بهداشت، نیروی انتظامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت صنایع، کمیته امداد امام خمینی، مرکز مشاوره زنان و خانواده رئیس جمهوری بودند. از بین کارشناسان منتخب جهت نظرسنجی ۷۵ درصد آنها مرد و ۲۵ درصد زن، ۳۲ درصد لیسانس و ۳۷ درصد فوق لیسانس و ۳۱ درصد دکتری بودند. نظرات این کارشناسان به دو صورت سؤال‌های باز و بسته تهیه و تنظیم شد و در نهایت مدل پیشنهادی با استفاده از نظرات آنها مورد بررسی و تایید واقع گردید.

## جمع بندی و نتیجه گیری

کشف و شناسایی عوامل عمده اشتغال کودک، همچنین تعیین درجه اهمیت و اولویت این عوامل بمنظور ایجاد بستر مناسب برای برنامه‌ریزی‌های عملیاتی در جهت کنترل، کاهش و نهایتاً حذف عوامل اشتغال کودک، به دور از نگرش‌های کلیشه‌ای موجود، نوآوری این پژوهش می‌باشد. عوامل عمده اشتغال کودک که در این پژوهش کشف و شناسایی گردیدند عبارتند از: شش عامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی،

- از سوی دیگر هم سیستم تأمین اجتماعی از پذیرش تعهدات بیمه‌ای ایشان خودداری می‌نماید، لذا این خود مفری می‌شود جهت گریز کارفرمایان از مسئولیت اجتماعی خویش؛ این گریز از مسئولیت، زمینه را جهت بیکاری نیروهای فعال بازار کار فراهم می‌سازد.
- در مجموع می‌توان اذعان نمود که کار کودک بصورت یک چرخه (دور باطل) پدیده فقر را گسترش می‌دهد. زیرا وجود کودک در عرصه‌های اقتصادی منجر به رشد بیکاری و عدم اشتغال می‌گردد. که این امر خود زمینه‌ساز افزایش ضعف بنیه اقتصادی خانواده و گسترش فقر است.
- از سوی دیگر حضور کودک در بخشهای اقتصادی امکان تعلیم و تربیت و کسب مهارت‌های فردی را از کودک سلب نموده و این کودک امروز در مراحل رشد (فردا) به کارگر غیر ماهری تبدیل شده که این کارگر بیشتر فله بگیر و روزمزد بوده و درآمد کم او در آینده اقتصاد خانواده را تهدید و توسعه فقر را در پی خواهد داشت.
- ۲) کار کودک و سوء مدیریت**
- هم چنانکه نتایج حاصل از پژوهش نشان داده کار کودک نشانگر ناکارآمدی نظام مدیریتی کشور است. به عبارت دیگر عدم امکان برنامه ریزی منطقی، هرزروی منابع و اتلاف زمان در فرآیند تولید را در پی داشته و این امر افزایش قیمت تمام شده را به دنبال خواهد داشت. قیمت بالا، توان رقابتی را از محصول در بازار عرضه سلب و نهایتاً کاهش فروش، کاهش درآمد و ورشکستگی مراکز اقتصادی را سبب می‌گردد. مدیریت ناکارآمد بمنظور جبران این نقص به سمت نیروی کار ارزان قیمت (ضمن زیر پا گذاشتن موازین اخلاقی) هدایت می‌گردد. که چنین فرآیندی به عدم اشتغال و نهایتاً فقر منجر می‌گردد.
- منابع و مأخذ**
- ۱) پاول، هنری، ۱۳۶۸، روانشناسی کودک، انتشارات کویر، تهران.
  - ۲) دی بٹ، مارگرت، ۱۳۶۳، روانشناسی کودک، انتشارات ترمه، تهران.
  - ۳) دی، بٹ و لیله ی، مارگرت، ۱۳۶۳، دنیای پنهان کودک، ترجمه: احمد خواجه نصیرطوسی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
  - ۴) شاه آبادی، حمیدرضا، ۱۳۸۲، مقدمه‌ای بر ادبیات کودکان، کانون پرورش فکری کودکان.
  - ۵) شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۸۰، روانشناسی کودک، انتشارات علامه، تهران.
  - ۶) شگری، نرجس، ۱۳۸۴، ارایه الگوی پویا برای ساماندهی خط مشی‌های زیست محیطی در ایران - مورد کابی آلودگی هوا - دکتري.
  - ۷) گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۱، جامعه شناسی گیدنز، مترجم: فرشته پناهی ناشر: جاجرمی.
  - ۸) مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
  - ۹) هرمزی، فاطمه، ۱۳۸۱، تاریخچه روابط کار در ایران، توسعه کار و تامین اجتماعی - تهران.
  - ۱۰) هرمزی، فاطمه، ۱۳۷۹، تاریخچه روابط کار در ایران، نشرنی، تهران.
  - ۱۱) یونیسف، ۲۰۰۵.
- یادداشت‌ها**
- <sup>1</sup> Social invention
  - <sup>2</sup> validity
  - <sup>3</sup> reliability
  - <sup>4</sup> Structural Equating Modeling
  - <sup>5</sup> Path Analysis
  - <sup>7</sup> semi metric
  - <sup>8</sup> Factor Analysis